

در ستایش تمدن اسلامی - مسیحی

پروفسور ریچارد دبلیو بولت
استاد تاریخ دانشگاه کلمبیا

ترجمه: دکتر سیروس فیضی
به کوشش و با پیشگفتار
دکتر محمدجعفر امیر محلاتی

۱۴۰۰

بولت ریچارد دبلیو ۱۹۴۰م Bulliet Richard w

درستایش تمدن اسلامی - مسیحی

ترجمه سیروس فیضی ۱۳۵۱- محمد جعفرامیر محلاتی ۱۳۳۱

تهران کویر ۱۴۰۰

ISBN: 978-964-214-097-8 ص. ۲۰۸. ۲۱/۵×۱۴/۵ س م فیبا.

۳۶/۸۵/ب۹۶۵۴

رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۷۳۸۴۳

www.ketab.ir

رشیات

رنگینسه - رساله‌ها و ندمت



کتاب، پدید می‌آید، بی‌سقف و بی‌

انتهای کتب

بملا و لاشعاع بی‌انتهای

در ستایش

تمدن انسانی - مسیحی

ریچارد دلبیو بولت / ترجمه دکتر سیدرس فیضی

به کوشش و با پیشگفتار / دکتر محمد چهارمیر مجلاتی

طراح جلد: محمد حسین طلعتی - امور فنی و صفحه آرایی: انتشارات کویر

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: غزال - شمارگان: ۴۰۰ قیمت: ۶۷۰۰۰ تومان

شابک: ISBN: 978-964-214-097-8 • چاپ اول: ۱۳۹۲ • چاپ سوم: ۱۴۰۰

نشانی: تهران، کریم‌خان زند، ابتدای قائم‌مقام فراهانی، کوی یکم، شماره ۲۰، ساختمان کویر

کد پستی: ۱۵۸۵۹۱۲۹۱۱ • تلفن: ۸۳۰۱۹۹۲ - ۹ و ۸۳۴۲۶۹۸ • شماره: ۸۳۴۲۶۹۷



Kavirbook@gmail.com



KavirPublishingCo



Kavir.Pub

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار چاپ دوم.....
۱۸	سخن مترجم
۲۱	پیش در آمد
۲۳	فصل نخست: در ستایش تمدن اسلامی- مسیحی
۷۱	فصل دوم: چه گذشت؟
۱۱۸	فصل سوم: جستجوی عشق در ناکجا آبادها
۱۵۹	فصل چهارم: حاشیه آینده
۱۸۷	ضمیمه
۱۹۴	یادداشت‌ها
۱۹۹	منابع
۲۰۱	نمایه

پیشگفتار چاپ دوم

دوستی ارزشمندتر از تمام گنجهای زمین و دریا است
خواجه نصیرالدین طوسی

ندانمت که چه گویم، تو هر دو چشم منی
که بی وجود شریفت جهان نمی‌بینم
سعدی

متفکران برجسته جهان اسلام همچون خواجه نصیرالدین طوسی، سعدی و جلال الدین رومی از منظر دوستی به مثابه جهان بینی، شادکامی دو جهان را موکول به اندیشه پیوند کیهانی، اجتماعی و انسانی می‌دیدند و خود بسندگی و وحدانیت را صرفاً صفت خداوند می‌دانستند. جهان مدرن اما در بن مایه اندیشگی فلسفی و الهیاتی خویش به دام تفرّد به مثابه یک ارزش افتاد و بهای آن راهم بوسیله جنگها، تنهایی‌ها، آوارگی‌ها، بیماری‌های و قهر طبیعت داد و همچنان می‌دهد. اینکه در پایان دهه دوم از قرن بیست و یکم به ترتیب در انگلستان و سپس در ژاپن وزارت امور تنهایی تشکیل شد نشانه یک افسردگی کیهانی و تمدنی است که ریشه در جهان بینی تفرّد، خودبسندگی و تقابل دارد.

همانگونه که در مؤخره‌ی کتاب «دوستی در اخلاق اسلامی و سیاست جهانی» از چارلز ایزنشتین (Charles Eisenstein) متفکر معاصر نقل کرده‌ام؛ وی معتقد است که ریشه‌های فلسفی ثنویت مدرن - که منشأ انواع اختلافات و جنگ‌ها و نابودی محیط‌زیست شده نگاه اصالت فردیت فلسفی دکارت، اصالت فردیت اقتصادی آدام اسمیت، اصالت فردیت بیولوژیک و زیستی داروین، و اصالت درون‌گرایی ادیان شرق دور بوجهی که این

واتس تبلیغ می‌کند می‌باشد.^۱ در نگاه ثنوی، خیر و شر هر دو اصالت وجودی و نیز مظاهر وجودی متعددی دارند و در نتیجه برای احراز سعادت و خوشبختی در ساحت‌های مختلف زندگی باید به دنبال خود بستدگی و پدیده‌های خود بسنده رفت. به دیگر سخن، در این نگاه، از آنجا که عوامل شرور در زندگی بسیارند، صرفه و سعادت در خود بستدگی و انفراد است.

ایزنشتاین می‌گوید در نتیجه‌ی این نوع نگاه‌ها - که فرد را از جهان، روح را از جسم، انسان را از طبیعت، مرد را از زن، و خدا را از مخلوق جدا می‌کند سلامت روح و جسم و طبیعت و روابط انسانی، به شدت در مخاطره قرار گرفته است.

بیش از هفت قرن قبل از ایزنشتاین، جلال‌الدین رومی، مثنوی جاودانی خود را با داستان جدایی‌های هستی‌شناسانه و غم‌انگیز جاری در تمدن انسانی آغاز می‌کند؛ و آدمی را، بی‌ای می‌داند که از ریشه جدا کرده‌اند.^۲ شاید بتوان گفت نگاه ثنوی به جهان - که برای اهریمن، اصالت وجودی قائل است - برعکس اندیشه فلاسفه مسلمان، شیطان را نه امری عدمی، بل که وجودی می‌داند از مهم‌ترین‌ها، زاینده‌های فردیت مخربی است که ایزنشتاین از آن می‌نالند.

با در نظر گرفتن این مقدمه، سؤال این است که تئوتک فراگیر اشاره شده جاری در جهان، آیا در مقیاس روابط بین تمدنی نیز مصداق داشته است؟ به نظر سیدحسین نصر، نگاه دوگانه و ثنوی غیریت در مقابل منیت، در مقیاس تمدنی نیز، در نظر دانش‌مندان شرق و غرب، نفوذ داشته است. نصر معتقد است که برای چندین هزاره، تمدن‌های متعدد و متنوع، علی‌رغم تعاملات پراکنده، درون‌گرا بودند؛ ولی وجود تمدن‌های دیگر را انکار نمی‌کردند. در قرون وسطی بود که غرب، شروع به ابراز نفرت از اسلام، به‌عنوان یک بدعت کرد. به نظر نصر، اندیشه‌ی اصالت تمدن واحد، اندیشه‌ی جدید بود که در اواخر قرن ۱۵ میلادی و در قرن ۱۶، بروز کرد؛ و بر این نگاه بنا شده بود که تمدن، به معنی خاص کلمه، غربی است؛ و سایر فرهنگ‌ها، بیش‌تر حاشیه هستند. کم‌کم عبارت «تمدن‌ها» از سکه افتاد؛ و ذکر تمدن، منحصر شد به تمدن غربی. نصر می‌گوید حتی

1. Mahallati, Mohammad Jafar Amir, *Friendship in Islamic Ethics and World Politics*, Michigan: University of Michigan Press, 2019, 270.

۲. کز نیستان، تا مرا بپریده‌اند / از نفریم، مردوزن نالیده‌اند.

تمدن چینی هم، یک نگاه چین‌محوری به جهان داشت.^۱ به‌نظر نصر، در قرن بیست‌ام بود که کم‌کم، اندیشه‌ی تمدن‌های متعدّد ظهور یافت؛ ولی دیری نگذشت که امثال ساموئل هانتینگتون، برخی تمدن‌ها را در تضادّ حل‌نشدنی با یک‌دیگر یافتند؛ و نظریه‌ی برخورد تمدن‌ها، تئوریزه شد؛ و سپس، از طریق سازکارهای نظامی، به جنگ‌ها کشید.

نصر، در کتاب «تمدن اسلامی»، از چند تعاملِ طنزآمیز بین تمدن اسلامی و تمدن مسیحی صحبت می‌کند. به‌نظر وی، اندیشه‌های علمی جهان اسلام در قرن دهم و یازده‌ام (چهارم و پنجم هجری) و ترجمه‌ی این اندیشه‌ها به زبان لاتین بود که منشأ رنسانس اروپایی در قرن ۱۳ به بعد شد.

هم‌چنین، اندیشه‌های کلامی و عقلانی اسلامی بود که مسیحیان را در عصر روشن‌گری کمک کرد که از یوغ کلیسا خارج شوند. در فاز بعدی، وقتی تمدن غربی از عقل‌گرایی افراطی دچار ملال شد، در دوران پسا‌روشن‌گری (enlightenment)، این ادبیات رمانتیک اسلامی بود که به ظهور عصر رمانتیسیم غربی کمک کرد. در همه‌ی این احوال، غرب، نمک خورد و نمک‌دان شکست. از تمدن اسلامی بهره بُرد؛ ولی نسبت‌به آن خشونت پیشه کرد. اندیشه‌ی غیریت ذاتی و ثنویت هستی‌شناسانه نمی‌گذاشت که غرب، حق‌شناسی لازم را نسبت‌به دریافته‌های تمدنی‌اش از جهان اسلام ابراز دارد.

باری، ماجرای نگاه‌های ثنوی از دوران مدرن عبور کرد و به دوران پسا جنگ دوم یعنی به دوران معاصر رسید.

ریچارد بولت استاد برجسته تاریخ اسلام با ژرف‌اندیشی بی‌بدیلی در کتاب پیش‌رو به آسیب‌شناسی این اندیشه (یا نا‌اندیشه) انحصارگرایی تمدنی در غرب پرداخته و به غربیان و شرقیان هردو یاد آور میشود که فکر ثنوی در نگاه تمدنی از ریشه باطل و ممتنع است و تمدن خود بسنده‌ای وجود ندارد.

بولت سپس از یک خاستگاه نقادانه موشکاف، اختراع اندیشه جعلی تمدن یهودی-مسیحی در مقابل تمدن اسلامی را به انگیزه نوعی عذر خواهی سمبولیک کشورهای مسیحی اروپایی از اقلیت‌های یهودی میداند که در تمام تاریخ مسیحیت اروپایی مورد

انواع تبعیض‌هایی قرار داشتند و دست آخر به فاجعه کوره‌های آدم‌سوزی دچار گردیدند. نهایتاً این اندیشه جعلی تحت اصطلاح "تمدن یا فرهنگ یهودی-مسیحی" به تاسیس دولت اسرائیل و حمایت بلا قید و شرط از آن توسط غرب بصورت یک وظیفه دینی و فرهنگی در آمد. بدین ترتیب عذر خواهی تمدنی غرب از یهود از جیب خلیفه انجام شد و به هزینه ای نجومی برای جهان اسلام صورت گرفت که همچنان ادامه دارد. طنز تلخ قضیه در آنست که مسلمانان در طول قرن‌ها در حقیقت نه تنها ملجا و پناه یهودیان ازار دیده از مسیحیت بویژه در بیت المقدس بوده‌اند، بلکه بخش اعظم الهیات و متون اخلاق یهودی و حتی احیای زبان باستانی عبری در اسپانیای اسلامی و تحت تاثیر دانشمندان مسلمان اندلس شکل گرفت. در اینصورت چگونه میتوان خط فاصل تمدنی بین مسلمانان و یهود ترسیم کرد؟

بنظر بولت ترسیم خط فاصل تمدنی بین جهان اسلام و جهان مسیحیت نیز به دلایل مختلفی که در کتاب آمده ممتنع است. بنظر بولت اگر بخواهیم بطور دقیق علمی سخن بگوییم ناچاریم از تمدن مشترک یهودی-مسیحی-اسلامی صحبت کنیم، زیرا هر سه فرهنگ در آفات و سکنات و فرار و تشییع‌های و تاریخ اندیشگی و الهیاتی و نهاد سازی‌ها با هم شریک و از هم بشدت تاثیر پذیرفته‌اند.

اندیشه بولت درست آنتی تز سخن اسلام هراسانه هانتینگن و طرفداران وی امثال برنارد لویس، کلیسای تبشیری و تفکر داعشی-طالبانی-تکفیری در جوامع مسلمان است و راه را بر سه گروه نو صلیبیون، نو جهادیون و توسعه گرایی نظامی اسرائیل برای جنگ ایدئولوژیک پایدار میندد و برای همین بولت در غرب مورد نقد تخریبی واقع گردیده است. وی تمدن شناس است و آثار فاخرش در تاریخ تحلیلی از منظر فلسفی و نگاه هستی شناسانه همچنین راه را بر همه ایدئولوژیهای ثنوی که خود را اخیر مطلق و دیگری را شر مطلق می انگارند و بر طبل جنگ میکوبند نیز می بندد.